

# مراقب سایت های همسریابی باشید

مرد ورشکسته برای جبران ضرر مالی خود با ترفندی عجیب، در سایت همسریابی، دختران و زنان جوان پولدار را فریب می‌داد و اموالشان را سرقت می‌کرد.

اواخر تابستان، رهگذران دختر جوانی را دست و پا بسته در گوشه ساختمانی متروکه پیدا کردند و بلافاصله با اورژانس و پلیس تماس گرفتند.

با حضور مأموران، دختر جوان در تحقیقات گفت: من تنها زندگی می‌کنم؛ مدتی قبل در سایت همسریابی با مرد جوانی به نام هومن آشنا شدم. او مدعی بود کارخانه‌دار و تاجر است، هر چند روز یکبار هم در صفحه‌اش عکس از خودش کنار خانه‌ای مجلل یا سوار بر خودروی مدل بالا می‌گذاشت. او از من خواستگاری کرد و من هم برای ملاقات با خانواده‌اش به دعوت او راهی خانه‌اش شدم. او ادامه داد: اما زمانی که به خانه‌اش رفتم، دو مرد در خانه بودند آنها دست و پام را بستند و با تهدید اسلحه، کلید خانه‌ام را گرفتند. یکی از آنها حدود 8 ساعتی در خانه با من ماند و هومن با کلید از خانه خارج شد و وقتی برگشت، مرا سوار خودرو کرده و در گوشه خیابانی رها کردند.

## سرقت بعد از آدم‌ربایی

با شکایت دختر جوان، تحقیقات پلیسی به دستور بازپرس شعبه دهم دادسرای ویژه سرقت آغاز شد. بررسی‌ها نشان داد هومن بیش از یک و نیم میلیارد تومان پول و طلا و وسایل از خانه دختر جوان به سرقت برده بود. در ادامه تحقیقات، کارآگاهان با شکایت‌های مشابه مواجه شدند و تعداد شاکی‌ها به چهار نفر رسید. با چهره‌نگاری تصویر متهم سرانجام وی دستگیر شد و به سرقت‌های سریالی از 4 دختر جوان اعتراف کرد.

وی در بازجویی‌ها گفت: من طلاساز بودم اما شریکم سرم کلاه گذاشت و ورشکسته شدم و من ماندم و کلی بدهی. به همین خاطر برای جبران ضرر و زیان مالی تصمیم به کلاهبرداری گرفتم.

## این ایده چطور به ذهنت رسید؟

خواهر یکی از دوستانم در سایت همسریابی به همین شیوه مورد سرقت قرار گرفته بود. من از صحبت‌های خواهر دوستم ایده‌برداری کردم و تصمیم گرفتم همان روش را اجرا کنم.

چطور دختران را فریب می‌دادی و اعتمادشان را جلب می‌کردی؟

وارد سایت همسریابی می‌شدم و همزمان هم صفحه‌ای در اینستاگرام راه‌اندازی می‌کردم و عکس‌هایی از خودم با خانه‌های مجلل و خودروهای مدل بالا می‌انداختم. خودم را تاجر و کارخانه‌دار معرفی می‌کردم و اعتماد دختران یا زنانی را که مطلقه بودند جلب می‌کردم. بعد آنها را به بهانه آشنایی، به خانه‌هایی که با مدارک جعلی برای چند ساعت اجاره کرده بودم، می‌بردم.

با تهدید سلاح دست و پایشان را می‌بستم و کلید خانه‌هایشان را برداشته و راهی خانه‌های آنها می‌شدم. اموال باارزش را سرقت می‌کردم و بعد آنها را در محلی دورافتاده و پرت رها می‌کردم.

**مردی که در سرقت اول همراهت بود که بود؟**

برادرم بود، فقط در همان یک مورد با من همکاری کرد .

**\*\*مرضیه همایونی**